

حنجال لاتاری و عزل

میرزا ملکم خان ناظم الدوله (۱) از وزیر

مختاری ایران در لندن

درسفر سوم ناصر الدین شاه باروبا (۱۳۰۶ . ق) دریکی از شهرهای اسکاتلند بنام « اگوستا » ملکم خان از اوتقاضای امتیاز تأسیس لاتاری در ایران نموده، شاه که بایذیاری های گرم و مجلل دربار لندن روبرو بوده واز ملکم از این حیث رضایت داشته این امتیاز را به تقاضای ملکم به « بوزیک دو کاردال » تبعه فرانسه و منشی سفارت ایران داده مشروط بر آنکه قبل از مراجعت بتهران و کسب نظر روحانیون استفاده می از آن امتیاز ننماید و گویا اجازه شاه شفاهی و مشروط بوده ولی ملکم که بایک نقشه حساب شده این امتیاز را گرفته بود قرارداد و امتیازی ساخته و همان

(۱) ملکم بسال ۱۲۴۹ هـ . ق در جلفای اصفهان متولد گردیده تحصیلات خود را در تهران و پاریس پایان برد و در سال ۱۲۸۸ معلم دارالفنون و بعد مترجم حضور شاه شد و در سال ۱۲۷۲ هـ . ق همراه هیئت سیاسی ایران بسرپرستی فرخ خان کاشی پاریس رفت و در ۱۲۷۴ با سعی پدرش فراموشخانه رادر تهران تأسیس کرد و در سال ۱۲۸۰ بنمایندگی سیاسی ایران در مصر منصوب گردید .

در آغاز صدارت سپهسالار مشاور او بوده و به پیشنهاد او بسال ۱۲۹۰ ما مور سفارت ایران در لندن میگردید ، در سال ۱۲۹۵ لقب ناظم الدوله گرفت و در سال ۱۳۰۷ بعلت وضع خاصی که در کار قرارداد لاتاری پیش آمد معزول و تمام عناوین از او سلب شد .

در سال ۱۳۱۵ بمقام وزیر مختاری ایران در ایتالیا منصوب گردید و سر انجام در سن ۷۷ سالگی در شهر لوزان در گذشت و بموجب وصیت خودش جسدش را سوزاندند و خاکستر او رادر کوزه ای کرده و باسند چهل هزار لیره که از معامله لاتاری بدست آورده بود ، در بانک دوفرانس امانت گذارده و تحویل بازماندگان اودادند .

را برای فروش ارائه داد.

ملکم در حاشیه رونویس قرارداد موصوف با خط خود چنین مینویسد :
 « این نسخه مطابق نسخه ایست که بامضای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه
 روحی فداء و به مهر جناب مستناب اشرف امجد آقای امین السلطان وزیر اعظم
 به صاحب امتیاز داده شده « ناظم الدوله ملکم »

ملکم به محض تحصیل اجازه بر خلاف توصیه شاه (که اجرای عمل
 لاتاری را منوط بموافقت علما و تأیید مجدد خود نموده بود فوراً امتیاز را با
 دستیاری برادرش میکائیل خان و مشارکت کار دوال به مبلغ چهل هزار
 لیره به دو کمپانی

« persian investment Corporation »

« ENGLo Esjatite Syndicate »

فروخت ولی هنگامی که ناصرالدین شاه وارد تهران شد و بارو حانیان شور
 کرد تصمیم به توقیف ماندن لاتاری گرفت و تلگراف لغو امتیاز از طرف میرزا -
 عباس خان قوام الدوله بملکم مخا بره گردید .

ملکم تلگراف را در هولاند پارک محل سفارت دریافت نمود و چون از عضوین
 آن آگاهی یافت فوراً آنرا بوسیله مستخدم خود بمأمور پست بر گرداند و دستور
 داد که بگوید « جناب سفیر بمسافرت رفته است » و سپس خود را بلا درنگ به
 یکی از شهرهای جنوبی انگلستان مسافرت نمود ، ملکم که هنوز واگذاری امتیاز
 را با دو کمپانی انگلیسی بمرحله قطعی در نیاورده بود شتابزده معامله را با
 کمپانی های مذکور تمام کرد و آنگاه بعد از شش روز تلگراف وزارت خارجه
 ایران را در دفتر ثبت نمود در جواب وزارت خارجه ایران اظهار داشت امتیاز
 واگذار شده است و لغو آن در حال حاضر ممکن نیست .

ناصرالدین شاه که بخوبی پی بمکنونات قلبی ملکم برده بود ، از استنکاف
 او در لغو امتیاز قسمی متغیر و برآشفته گردید که دستور داد بلا درنگ ویرا از
 مقام سفارت و کلیه عناوین دولتی برکنار نمایند .

اتابک نیز بامر شاه تلگرافی دستور عزل ملکم را صادر و او را از تمام
 عناوین و شئونات و القاب دولتی محروم گردانید . کمپانی های خریدار امتیاز
 وقتی از عزل ملکم آگاه شدند بر علیه دولت ایران اقامه دعوی کردند .

ولی دادگاه شکایت از کمپانی مزبور را رد کرد و کمپانی‌ها را مستحق استرداد پولشان از ملک دانست ، دو کمپانی ناچار بر علیه ملکم بدادگاه لندن تقدیم دادخواست نمودند گر چه ملکم با کمال زرنگی و شیطنت و رابطه با بعضی از رجال انگلیس توانست پول را تصاحب کند ولی دادگاه او را به تقلب موصوف نمود حکم دادگاه که در شماره ۱۵ مارس ۱۸۹۳ تایمز لندن چاپ شده سبب هتک حرمت او در انگلستان گردید . (۱)

ملکم که در آن واحد تمام اعتبارات و حیثیت سیاسی خود را از دست داده بود برای اعاده حیثیت. حمله و تعرض به اتابک را وسیله قرارداد در حالی که اتابک با کمال حسن نیت در صدد اصلاح کار او بوده و انتصاب او را بوزیر مختاری يك پایتخت اروپائی از شاه می خواست .

این است گزارش اتابک به شاه و قربان خاکیهای جواهر آسای اقدس همایونت شوم ، بعد از رفتن سفیر کبیر ، ولف آمد (ولف وزیر مختار انگلستان در ایران) و در کوچه سفیر را دیده بود پرسید که سفیر کار فوق العاده داشت . خانه زاد تفصیل را بیان کرد . گفت :

این فقره اردو هم به جهت عثمانی‌ها هم به جهت روسها سبب خیال شده است چون که چند وقت قبل از این روسها در ایران و در سرحدات آذربایجان قدری سالدات علاوه حاضر کرده بودند ماسئوال کردیم گفتند به جهت قرانطین و با است اگر بیاید ناچاریم در تمام خط سرحد قرانطین بگذاریم حال خیال کرده اند که دولت ایران به آن ملاحظه است که اردو میزند حالا که اینطور است اگر اول نوشته رسمی از سفیر بگیرد که حاضر کردن قشوق فوق العاده در سرحدات خودشان را تکذیب کند بعد از آن اردو را موقوف کرده یا محلس را تغییر بدهد که مایل بسرحد آنها بباروس هم نباشد بهتر است .

در باب ملکم خان هم عقیده خانن زاد را در باب این که اول تهدید بشود و بعد سفارت ایتالیا داده شود پسندید و میگفت او بنده پول است موجب کافی بدهید بایتالیا یا برلن مأمور کنید بهتر است . به آمریکا هم بفرستید ضرر ندارد اگر قبول نکرد و باز فضولی کرد آنوقت چاره آسان دارد. در باب خراسان و غیره هم صحبت شد که انشاء الله بعد تفصیل را بعرض خواهد رساند .

زیاده قدرت جسارت ندارد - الامر الاقدس الاعلی مطاع شاه در حاشیه

(۱) ترجمه خلاصه دادنامه دادگاه لندن در صفحات ۳۱۹ و ۳۲۰

استاد سیاسی دوران قاجاریه چاپ شده است .

گزارش اتابك نوشته است «باملكم خان همين طور قرار بدهيد ليكن اول تكليف خدمات مأموريت را بكنيد اگر قبول نكرد تهديد كنيد .»

بصراحت اين گزارش اتابك و دستور شاه پيدا است كه از طرف شاه و اتابك نهايت گذشت و ارفاق درباره ولى ملكم به تهديد و اجابت فقط خواستار سفارت لندن بوده و چون از تهديد هاى خود نتيجه اى نگرفت به انتشار روزنامه قانون مشغول شد تا بدانوسيله انتقام جوئى كند و شاه و اتابك را به قبول تقاضاى خود مجبور نمايد .

ملكم جمعاً ۴۲ شماره از روزنامه قانون را كه از ژانويه ۱۸۹۱ آغاز كرد منتشر نمود كه در هر شماره مطالبى بر ضد شاه و اتابك و در بار ايران انتشار ميدهد است .

ملكم در عين تحريكات با علاء السلطنه وزير مختار جديد ايران در تماس بود و او را واسطه اصلاح كار خود قرار ميدهد و گاهى هم نامه اى با اتابك و شاه محض تهديد و جلب عنايت آنها مينوشت و راه آشتى را باز ميگذاشت عاقبت پس از چند سال بيكاري در زمان صدارت امين الدوله موجدبانى براى رجوع كار با و فراهم شد در رمضان ۱۳۱۶ با شفاعت نريمان خان قوام السلطنه وزير مختار ايران در اتريش كه با اتابك دوست صميمى بود ملكم بسفارت ايتاليا مأمور گرديد و لقب نظام الدوله بوى داده شد .

اکنون متن قرارداد :

نظر بدولتخواهى و خدماتى كه عاليجاه نسبت بدولت عليه ايران نموده اعليحضرت اقدس همايونى شاهنشاه كل ممالك ايران امتياز كل معاملات بالاترى و استقراض هاى عمومى تبرى و ترتيب كمپانى هاى بالا تبرى و فروش بليط هاى بالاترى و بازبهاى عمومى بالاترى از قبيل چرخ رولت در كل ممالك ايران از تاريخ امروز الى هفتاد و پنج سال مخصوصاً و منحصرأ با شرايط ذيل بعاليجاه مشاراليه دادند و او هم با شروط ذيل اين امتياز را قبول كرد .

در جمیع این معاملات و ترتیبات و استقراضهای بالاتری که به حکم این امتیاز حق مخصوص و انحصاری عالیجاه است عالیجاه مشارالیه هر سال از منافع

خالصی که بعد از وضع مخارج و ادای صد پنجم منفعت سرمایه مصرف شده حاصل بشود صد بیست بخزانۀ دولت علیه کار سازی خواهد کرد که اولیای دولت علیه ایران باختیار خود صرف امور خیریه ایران نمایند.

دولت علیه ایران حق خواهد داشت که بتوسط یکی از مأمورین خود هر سال حساب منافع خالص صاحب این امتیاز را تحقیق نماید.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران این امتیاز را در حق عالیجاه و در حق صاحبان حقوق و بامضای ملوکانه خود تصدیق و مقرر فرمودند و از تاریخ امروز بر عهده دولت علیه ایران واجب است که حقوق این امتیاز را بدرستی محفوظ و مجرا بدارد.

و این معنی به طور صریح مقرر است که دخیل این معاملات و بازیهای لاتری شدن و خرید و فروش بلیطها و نمرهای قرعه و لاتری در ممالک ایران از برای احدی به هیچوجه مجبوری نخواهد بود و در کل ممالک ایران هر کس خواه تبعه ایران و خواه تبعه خارجه کاملاً مختار خواهد بود که بمیل خود داخل این معاملات لاتری بشود یا نه.

فی تاریخ ۲۲ ذیقعدہ ۱۳۰۶ بدو نسخه مبادله شد.

این نسخه مطابق آن نسخه ایست که با مضای مبارکه اعلیحضرت اقدس همایونی شاهنشاه روحی فداء با و مهر جناب مستطاب اشرف امجد آقای امین السلطان وزیر اعظم بصاحب این امتیاز داده شد.

ناظم الدوله ملکم

